بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه هفتم است

تا آخرین باب کتاب نوشته شده است، علت و مبنا را گفتیم. همان اول می نوشت اصحاب پیامبر، امیر المومنین، امام مجتبی تا آخر . پنج تا از اصحاب پیامبر را می نوشت دو تا از اصحاب امیر المومنین. پنج تا از از طبقه آخر. پنج تا از اصحاب امام هادی همینطور جلو می آمد. زیاد ترتیب از اول تا آخر را رعایت نمی کرد. مقداری را رعایت می کرد ولی اینکه صددرصد از پیامبر شروع کند تا آخر، نه

بعضا جا به جا هم می نوشتند.

بعضا اسم راوی را در چند جا می نوشتند. این ۶۰۰۰ نفر تکراری ها حذف شود شاید تعداد نصف شود. بعضا حتی شده اسم راوی را ۵ بار برده اند در اصحاب ائمه مختلف. جابر بن عبدالله انصاری اصحاب پیامبر، امیر مومنان، امام مجتبی، امام حسین، امام سجاد، امام باقر

اسم راوی تکرار شده، راوی در عصر هر ائمه بوده اسمش تکرار شده اینکه ما می گوییم ۶۰۰۰ نفر در واقع ۶۰۰۰ راوی نیست شاید ۴۰۰۰ راوی باشد ولی خب تکرار شده اند اسامی، یک مسئله اینکه ایشان درباره ۳۴۹ نفر یک عبارتی بکار برده اند بنام "اَسنُد عنه" که قبلا گفتیم روی خواندن تلفظ و معنی فهمش اختلاف است قبلا مطرح کرده ایم. از این افراد، ۳۳۷نفر از اصحاب امام صادق اند.

معنی این عبارت چی است؟ یادم است مرحوم غلامرضا عرفانیان تحقیقی در این زمینه کرده بودند و به این مسئله اشاره کرد ولی کتاب کاملی نبود که بشود صددرصد جمع بندی کرد.

سوال : علت اهمیت این عبارت چیست؟

پاسخ: درباره ۳۵۰ نفر تقریبا آمده فرضا اگر دلیلی بر توثیق باشد، ۳۵۰ راوی ثقه اضافه می شود. یا اگر دلیلی بر ضعف راوی باشد، ۳۵۰ راوی ضعیف اضافه می شوند. عدد کمی نیست

مگر کل راویان چند تا است که ۳۵۰ تا را بررسی کنیم؟

برخی رجالیون مثل علامه شوشتری معتقدند چون شیخ طوسی اول فهرست را نوشت و بعد رجال را گرد تعارضی بین فهرست و رجال باشد، رجال مقدم و ارجح است. ولی خب گفتیم فهرست در جوانی شیخ تکمیل نشد بلکه بعد از آن شیخ اضافه و کم و زیاد می کرد چنانچه اسم همین کتابِ رجال در فهرست شیخ آمده است. پس آن نظر را قبول نمی کنیم. مواردی هم است مثل سهل بن زیاد که شیخ در فهرست توثیق و در رجال تضعیف کرده ولکن رجالیون همان نظری که شیخ در فهرست داده را قبول می کنند.

قدیمی ترین نسخه رجال و فهرست شیخ طوسی در موزه بریتانیا در شهر لندن به شماره نسخه ۷۲۶۵ که دو نسخه کتابت شده و تاریخ تالیف هم سال ۵۳۳ است یعنی با دو واسطه به شیخ طوسی می رسد این کتاب و خیلی اعتبار دارد. البته این نسخه تا چند سال پیش در عراق بود و حالا خریده یا دزدیده شده آمده در موزه بریتانیا. در واقع اصل نسخه در عراق بود.

کتاب بعدی در رجال، کتاب فهرست نجاشی است. بر عکس شیخ طوسی که عالم و مرجع عالی قدر و برجسته مشهور شیعه که در زمان خودش همه از ایشان تقلید می کردند و حتی زمانی که بدرود حیات گفت تا صد سال بعد از مرگش، هیچ فقیهی رساله نداد و همه رجوع به ایشان می دادند. تا اینکه ابن ادریس آمد. نجاشی در زمان خودش آدم

گمنامی بود. شیخ انسان بسیار فاضل و دانشمند بطوری که در هر رشته ای کتاب نوشته آن کتاب جزو بهترین کتب آن رشته است اکثرا

در تفسیر، التبیان را که از بهترین کتب تفسیری است. در حدیث استبصار و تهذیب الاحکام (نصف کتب اربعه)

در رجال فهرست، رجال و مختصر رجال کشّی

در رجال به چهار کتاب استناد می کنیم؛فهرست نجاشی، فهرست شیخ

رجال شیخ، رجال کشی

سه کتاب دیگر را گفتیم اختلافی است برخی ها قبول نمی کنند. از این چهار کتاب، سه مورد اثر شیخ طوسی است. اعتبار و عظمت فرد بسیار والا است در تاریخ شیعه نابغه تر از شیخ طوسی و علامه حلی نداریم بین تمامی علما اما نجاشی انسان مجهولی بوده، سرشناس نبود و اجازاتی داشت و شاگرد برخی علما بود. اجدادش هم اهل علم بودند ولی نه آنقدر برجسته

نجاشی انگیزه اش از نوشتنِ کتاب را همانی را که شیخ طوسی بیان میکند، می گوید.

سید مرتضی علم الهدی مرجع عالی قدر شیعه قبل شیخ طوسی (نجاشی و شیخ طوسی تقریبا همزمان بودند) شیخ طوسی کمی بزرگتر از نجاشی و یکدیگر را درک کرده بودند. نجاشی اسم شیخ طوسی را در فهرست خود می برد و با عظمت و جلالت بزرگی هم نامش را می برد. چرا می گوییم نجاشی مجهول بود؟ چون شیخ طوسی در فهرست اسم نجاشی را نمی آورد. نجاشی انسان گمراه و جوانی بود شاید شیخ اطلاع نداشت که کتاب می نویسد و بعضی ها میگویند کتاب رجال نجاشی تکمیل کننده بر رجالِ شیخ است.

انگیزه تالیف فهرست نجاشی همان بیان شیخ طوسی بود که اهل سنت گفته اند علمای امامیه کتاب ندارد من آمده ام کتاب نوشتم تا جوابش را بدهم.

از زمان خود نجاشی تا زمان سید ابن طاووس نه استنادی به رجال نجاشی بود نه خبری از آن بود و نه هیچ چیز دیگری! منتجب الدین که فهرست می نویسد اسمی از رجال نجاشی نمی آورد. ابن شهر آشوب که معالم العلماء را می نویسد، هیچ اسمی از نجاشی نمی آورد. نجاشی تا زمان سید ابن طاووس یک فرد کاملا گمنامی بود.

سید ابن طاووس در نوشتن حل الاشکال فی معرفه الرجال در باب رجال، به فهرست نجاشی هم استناد میکند. برای چی؟ چون منابع رجالی ما ناچیز اند اکثر کتاب هایمان در حمله مغول از بین رفت چیز زیادی باقی نماند. مجبوری به نجاشی استناد می کند.

ولکن بعضی از علما می گویند فهرست نجاشی را ارجح بر شیخ طوسی می دانیم. دلایلی هم می آورند ولی ما دلایل را قبول نمی کنیم. فهرست و رجال شیخ طوسی ارجح بر نجاشی هستند بر خلافِ رای مشهور علما. دلایلی که می آورند: "نجاشی فهرست را بعد از شیخ نوشت" به همین دلیل (با اینکه از نظر بازه زمانی خیلی نزدیک به هم بودند؛ نجاشی متوفی۴۵۰ و شیخ طوسی متوفی ۴۶۰. شیخ طوسی ۱۰ سال بعد از نجاشی فوت میکند) که شیخ طوسی در جوانی فهرست را نوشت و نجاشی در اواخر عمر، فهرست نجاشی هم کامل نشد و تا آخر عمر ادامه داشت. برای همین فهرست شیخ قبل از نجاشی بوده و فهرست نجاشی ارجح است. این نظریه را رد کردیم با این بیان که فهرست شیخ هم تا آخر عمر نوشته شد و شیخ ارجح بر نجاشی است پس نظرش معتبر تر است.

مورد بعدی؛ علم شیخ طوسی در رشته های مختلف تقسیم شده ولی نجاشی فقط ممحض در رجال بود.

اگر به این مبنا است، نجاشی هم کتاب هایی در زمینه های دیگر است. کتاب الجمعه در مورد مسائل روز جمعه نوشت. کتاب الکوفه در مورد شهر کوفه. کتاب مختصر النوار درباره علم نجوم

اگر این است که شیخ طوسی چون جامعیت دارد علمش تقسیم می شود، نجاشی هم جامعیت دارد پس علمش تقسیم شود. این اولا

ثانیا شیخ بسیار زیاد باسواد تر از نجاشی بوده، نجاشی تا دویست سال بعد از مرگش خبری از او نبود در حالیکه شیخ طوسی یکی از نوابغ علمای شیعه در کل تاریخ است. درست است که علم شان اقیانوس است ولی عمق آن یک سانت نیست پس عمق زیادی هم دارد بر خلافِ برخی که جامعیت شات بالاس ولی اهمیتی ندارد نه وای شیخ طوسی اینگونه نبود

کتاب تفسیر شان بهترین کتاب تفسیر است. کتب حدیثی اش نصف کتب اربعه و کتب رجالی اش سه چهارم کتب رجالی است.

سوال: میتواند این نظریه درست باشد که علم تقسیم شود. در تفسیر مجمع البیان طبرسی از البیان شیخ طوسی بهتر و مرتب تر است.

پاسخ: می گویند چون شیخ طوسی در علوم مختلف تالیف داشت و کار میکرد ولی نجاشی فقط در یک علم، پس نظر نجاشی در آن علم با ارزش تر از شیخ است! نه. مثال میزنم الان نگاه کنید بنده بیسواد یک مختصری رجال بلدم و فقط هم رجال بلدم. ما می توانیم بگوئیم آیت الله شبیری که فقه، اصول، ادبیات، رجال، منطق و کلام خوانده چون در چند علم تخصص دارد، من رجالم بهتر از ایشان است؟ نه. درست است که رجال بلدند و صدتا علم دیگر هم بلدند ولی در همین رجال هم هزار برابر ما کار کرده اند و نبوغ دارند. شیخ طوسی نابغه ترین دانشمند در طول تاریخ شیعه بوده است. ایشان و علامه حلی

همچین شخصیتی را ما با نجاشی که در زمانِ خودش گمنام بود، تا اینکه دویست سال بعد از مرگش، بعلت کمبود منابع به کتابش رجوع می شود. این دو مورد را با هم برابر ندانیم.

و دلایل دیگری هم است سید بحرالعلوم می آورد که مثلا نجاشی به انساب مسلط بود در حالیکه که شیخ طوسی نبود. دروغ محض! شیخ طوسی هم مسلط به انساب بود فهرست و رجالش را ببینید.

می گویند اکثر راوی ها برای کوفه و اطراف کوفه بودند و نجاشی هم داخل آنجا بود پس آنها را می شناخت. خب برعکس شیخ طوسی مرجع شیعه که با تمام شیعیان در ارتباط داشت و خیلی بهتر احوال شیعه را می دانست تا یک نفر داخل شهر که جایی نرفته باشد.

ولی بهرحال نظر شیخ طوسی در فهرست و رجال ارجح بر نجاشی است. نجاشی کتابش را تا آخر عمر می نوشت و کامل نشد. سبک نگارش هم مثل فهرستِ شیخ

اواخر فهرست نجاشی را نگاه کنید در مقدمه همان حرف هایی را زده که شیخ گفته است؛ اینکه هر کسی که اسمش برده شده، شیعه و کتاب تالیف نموده ولی می بینیم درباره بعضی افراد اسم کتاب شان نیامده، نجاشی فرصت نکرده اسم کتاب را بیاورد و ایضا گفته بود طریق به کتاب ها همـی نویسم. یعنی اجازه ام تا کتاب زراره را می نویسم اما می بینیم برای بعضی راوی ها آن اجازات نیامده است.

به همین دلایل می گوییم نجاشی کتاب خود را تا آخر عمر می نوشت و تکمیل هم نشد. ولی بعضا اطلاعاتی که نجاشی نوشته بیشتر از فهرست شیخ است که خب بدیهی هم است نجاشی نسخه های اولیه فهرست شیخ را داشته و مطالب کم و زیاد می کرد، یقینا من هم اگر کتاب ماقبل خود را تکمله بزنم، چهار تا نکته اضافه بر آن می نویسم. در فهرست شیخ درباره ۹۱۲ راوی صحبت شده در فهرست نجاشی درباره ۱۲۶۹ نفر صحبت شده است.

قدیمی ترین نسخه از رجال نجاشی که می شناسیم به شماره ۳۶۱۶ در آستان قدس رضوی به تاریخ ۹۶۷ قمری است حدودا ۵۰۰ سال بعد از مولف. در طول تاریخ (قبل از دویست سال اخیر) ، آنقدر که به کتب شیخ اعتنا می شد کتاب نجاشی اعتنا نشد. ولی در طول دویست سال اخیر حالا نمی دانیم چه انگیزه ای است، می گویند رجال نجاشی بهتر از شیخ است

رجال نجاشی بین کتب رجالی مثل کافی است مقابل سایر کتبِ حدیثی!

این قیاس را باور نمی کنیم. کتب شیخ ارجح بر نجاشی اند. سه چهارم رجال ما از شیخ طوسی است.

سوال:کتاب نجاشی اجازه هم دارد؟ اجازات برای بعد از خودش. اینکه با اجازه بدست ما رسیده باشد.

پاسخ: علامه حلی اجازه خودش تا فهرست شیخ و رجال نجاشی را گفته

همه موارد مذکور کتب متقدم رجالی اند که باقی مانده، علمای امامیه هم خیلی به آنها رجوع می کنند غیر از این ها کتب رجالی است که از شیعه است و مطالب خوبی هم دارند اما علمای امامیه به آنها اعتنا نمی کنند.

که باید به آنها هم رجوع کرده و استفاده نمود مثل کتاب فهرست ابن ندیم بسیار کتاب فهرست خوبی است ولی بدان توجه نشده یا فهرست منتجب الدین و معالم العلماء ابن شهر آشوب به این دو کتاب اعتنا نمی شود چون این کتاب ها فهرست است مثل نجاشی و شیخ طوسی و نیامده اند از زمان پیامبر اکرم بنویسند تا زمان خودشان بلکه بعد از شیخ طوسی آورده اند و بعد شیخ هم راوی زیادی نداشتیم که حدیث نقل کند. به همین علت علما به دو کتاب اخیر توجهی نمی کنند.

قابل توجه آنهایی که فهرست نجاشی را خیلی با ارزش می دانند. هم منتجب الدین و هم ابن شهر آشوب کتاب شان را تکمله فهرست شیخ طوسی می دانستند نه تکمله فهرست نجاشی.اسمی از نجاشی نبوده اصلا و این دو نفر هم اسمی از نجاشی نمی آوردند. نجاشی فوق العاده گمنام بود که کسی او را نمی شناخت اجازاتی داشت البته

در مقابل شیخ الطائفه که همه او را می شناختند تا همین چند سال پیش وقتی علما لفظ شیخ را بهتنهایی بکار می بردند منظور شیخ طوسی بود.

این ها کتاب متقدمین است از کتب متاخرین یعنی بعد از شیخ طوسی تا ۲۰۰، ۳۰۰ سال پیش، دو کتاب رجالی مهم مطرح است و البته کتب دیگری هم است ولی مشهور ترین ها را بگوییم هر دو کتاب را شاگردان سید ابن طاووس می نویسند. خود سید ابن طاووس حل الاشکال را می نویسد و این دو کتاب هم در واقع از حل الاشکال گرفته شده اند. بصورت حالت تکمله مانند بر حل الاشکال سید ابن طاووس است. خود کتاب حل الاشکال متاسفانه موجود نیست ولی از قرائن و شواهد پیداست که در دو قسمت بود برعکس کتب نجاشی و شیخ و دیگران که همه را یکجا می نوشتند. حل الاشکال در دو قسمت، قسمت اول راویان ضعیف را نامی برد و قسمت دوم راویان ثقه را نامی برد. بعد خلاصه الاقوال و رجال ابن داوود که شاگردان سید ابن طاووس عیناً با همین ترتیب است. و براساس این حل الاشکال را می گوییم. البته شنیده ایم نسخه هایی از حل الاشکال در بعضی جاها موجود است ولی به چشم ندیده ایم. از آقای درایتی نسخه شناس برجسته؛ نویسنده فهرست دِنا و فخنا هم سوال شد نسخه ای از حل الاشکال نمی دانستند.

کتاب رجال اولی که می خواهیم بگوئیم، خلاصه الاقوال علامه حلی است. (متوفی۷۲۶ قمری) علامه حلی هم مثل شیخ طوسی یکی از فحول و نوابغ مذهب امامیه و بسیار باسواد و دانشمند در رشته های مختلف صاحبِ تالیف بود در حدی که قبل از سن بلوغ، مجتهد بودند در ۱۸ سالگی رساله دادند و در ۲۵ سالگی تنها مرجع شیعه بودند و خواهر زاده محقق حلی (مرجع قبلی) در فضیلت علامه حلی نیاز به صحبت نیست اصلا.

ایشان خلاصه الاقوال را با موضوع رجال را در دو قسم می نویسد مثل رجال کشی و ابن غضائری، دیگر مثل رجال شیخ نیست که طبقات باشد یا فهرست نجاشی و شیخ نیست که در واقع فهرست باشند نه رجال، بلکه این کتاب اختصاصاً رجال بود و به سبک حل الاشکال احتمالا، دو بخش است. بخش اول راویانی که روایاتش را قبول دارد قید شده که اسم ۱۲۲۷ راوی آمده است.

بخش دوم راویانی که روایاتش را قبول ندارد ذکر شده که اسم ۵۱۰ راوی آمده است.

در مجموع هزار و هفتصد و خورده ای راوی دارد. کتاب بر اساس ترتیب اما فقط حرف اول. الف : احمد و ابراهیم و... در یک جا آمده اند. در اواخر کتاب درباره کنیه ها هم گفته اند. ۱۰ تا فایده رجالی آورده اند؛ عده کلینی، طریق

به شیخ طوسی و شیخ صدوق الی آخر. کتاب علامه حلی فرقی با رجال ابن داوود داشت؛ که اگر درباره یک راوی اختلاف نظر میشد. اینکه نجاشی و شیخ مختلف بیان کنند یک راوی را، علامه نظر اجتهادی خودش را انتخاب می کرد و اگر قبول می کرد اسمش را در قسمت اول کتاب درج می کرد.

ابن داوود این کار را نمی کرد بلکه اسم راوی را در هر دو طرف نقل می کرد. یک راوی که هم مدح دارد و هم ذم اسمش در هر دو بخش آورده می شد. علامه حلی درباره تلفظ راوی ها هم در کتابش مطلب دارد. و بعضا استنادات را آورده

غیر از نجاشی، شیخ، کشی و ابن غضائری اگر شخص دیگری را می خواست، اسمش را می آورد مثلا قال للعقیقی. کتاب های رجالی داشتند که بدست ما رسید مثل رجال ابن عقده، رجال عقیقی، رجال سعید بن عبدالله، رجال فضل بن شاذان، رجال عیاشی و... هیچکدام بدست ما نرسید. رجال ابن عقده در کتب دیگر خیلی آمده است که یک تحقیقی در این باره لازم است.

رجال فضل بن شاذان را یکی از علما جمع آوری و کتاب کرد.

قدیمی ترین نسخه خلاصه الاقوال علامه حلی، سال ۷۴۲ کتابت شده یعنی ۲۰ سال بعد از فوت علامه، پس بسیار با ارزش است این کتاب. در کتابخانه علامه طباطبایی شیراز به شماره نسخه ۶۵۰ است. که من شنیده ام کتاب های کتابخانه شیراز را به دانشکده علوم پزشکی انتقال داده اند.

کتاب بعدی؛ کتاب رجال ابن داوود است. درباره تاریخِ فوتِ ابن داوود اختلاف است. بعضی ها میگویند ۷۴۰ فوت کرد و بعضی ها بعد از ۷۴۰

ولی بعد از علامه حلی فوت کرد یقیناً حداقل ۲۰ سال. ابن داوود از نظر سنی کوچکتر از علامه بود ولی هر دو شاگردان سید ابن طاووس بودند. علامه حلی مثل همان موضع شیخ طوسی نسبت به نجاشی، علامه مرجع و عالم بزرگ شیعه، متخصص همه علوم بود در مقابل ابن داوود همچین وجهه ای نداشت خیلی گمنام و کمرنگ تر بود. ابن داوود یکسال از علامه بزرگتر بود ولی بعد از علامه فوت می کند.

رجال ابن داوود هم به همان روشی که علامه کتابش را نوشت، دو قسمت است: بخش اول ممدوحین بخش دوم ضعفا. در بخش اول ۱۷۴۴ نفر را نام برده اند و در بخش دوم ۵۶۵ نفر

علت اینکه بیشتر از علامه نام برده، این نیست که بیشتر از علامه نوشته بلکه ایشان بعضی از راویان را در هر دو قسمت نوشته است. اگر بخواهیم این ها را حذف کنیم، تعداد خیلی کمتر می شود. کتاب هایی هم داشتند که بدست ما نرسیدند مثل ابن عبدون و کتاب رجال شیخ طوسی که علامه حلی این دو را نداشت.

و ابن داوود اسم علما را کامل ننوشت بلکه اسم رمز گذاشت. بجای اینکه قال نجاشی بنویسد، عنوان ج.ش را هر جا می گذاشتند یعنی متن از نجاشی است. ثقه من ایّ اصحابنا الرضا جش...

این اسم رمز گذاشتن بعدا مشکل ساز شد. اسم رمز را گذاشتند تا سریع تر نوشته شود و خواندنش راحت تر باشد ولی بدتر شد. اختلاف نسخه هایی که داخل ابن داوود است مشکل ساز است ج.ش (نجاشی) با ک.ش (کشی) یکجا بجای ج.ش ، ک.ش گذاشته شود، معنی عوض می شود. کاش این ها کامل می نوشت. به نظر ما رمز نوشتن رسم خوبی نیست با اینکه بعضی از علما بعد از ابن داوود از رسم ایشان تقلید کردند مثل شیخ اعظم انصاری، عین همین کار را انجام داد. ابن داوود در مقدمه کتابش سندش تا کتب رجالی را ذکر نموده است. (رجال نجاشی با فلان سند نقل می کنم و...)

فهرست ها و کنیه های داده اند و فوایدی در آخر رجالش دارد. نمی خواهیم درباره شان توضیح دهیم.

در رجال ابن داوود زندگی علامه حلی آمده ولی در رجال علامه، اسمی از ابن داوود نیست. این را می شود مورد بحث قرار داد که چرا همچین چیزی بوده؟ بعضی ها می گویند چون مبنای علامه حلی در رجال این بوده که راویان

حدیث را بیاورد فهرست نگار که نبودند ولی ابن داوود احتراما اسم علامه حلی را آورده است و چند نفر دیگر که راوی نبودند.این از کتب رجالی متاخر

در کتاب رجالی معاصر هم چند مورد را معرفی کنیم تا همه منابع رجالی را بشناسیم. :

بهترین کتاب رجالی که در کل تاریخ شیعه نوشته شده، کتاب تنقیح المقال فی علم الرجال از علامه عبدالله مامقانی است. پدرشان از علمای زمان قاجار که می گفتند سبیل مظفرالدین شاه را می کشید یعنی این همه زور داشت که حرف بزند و عالم برجسته ای بوده. خود ایشان هم عالم بزرگوار و بسیار نابغه، کامل ترین کتاب رجالی از بین کتب را قلم می زنند. متوفی سال ۱۳۵۱ قمری. کتاب تنقیح المقال را در سه جلد می نویسند و همه آرای علمای رجالی چه این ده کتاب که نام بردیم و چه بسیاری از کتب رجالی دیگر... همه آنها را ایشان داخل سه جلد می نویسند و جالبتر اینکه علامه مامقانی از زمانی که شروع به نوشتن می کنند تا چاپ و منتشر شود فقط سه سال زمان می برد که آقا بزرگ تهرانی یا یکی دیگر از کتاب شناس ها فرمودند این کار یکی از معجزات قرن بود همچین کتاب عظیمی فقط در سه سال نوشته شود. معجم الرجال آقای خویی از نظر حجم یک پنجم این کتاب هم نیست ولی نوشتنش ۲۰ سال طول کشید و با یک لشکر از شاگردان آقای خویی

نبوغ فوق العاده ای داشتند علامه مامقانی؛ در اول تنقیح المقال فهرستی می نویسند که قبل از خودشان کسی این کار را نکرد و نظرشان درباره راویان را در یک کلمه یا یک عبارت می آورند برای آنهایی که نمی خواهند مباحث سنگین رجالی را ببینند در حالیکه ما همچین چیزی ندیده بودیم قبل ایشان. خیلی راحت می شود با چنین کاری و در کتاب از خیلی منابع استفاده می کنند که قبلی ها استفاده نکردند. بسیار کتاب جامعی است و برای تلفظ اسامی افراد و راویان هم مطلب دارند. هر راوی که اسم می آورند ابتدا ضبط تلفظ اسم را بیان می کنند که چگونه است بعد زندگی نامه و توثیقات و تضعیفات و هر چیزی که دارد و در آخر هم تمییز می دهند.

۵ نفر که بنام محمد بن احمد داریم. هر کدام هم داخل کافی روایاتی دارند. علامه مامقانی می گویند هر جا محمد بن احمد آمد و از سهل بن زیاد نقل کرد، منظورش برقی معروف است و هر جا محمد بن احمد از فلانی نقل کرد منظور آن فرد است

علمای قبلی خیلی به تمییز مشترکات نرسیده بودند. آقا زاده شان آقا محی الدین شروع کردند به تجدید چاپ و آوردن نظریات و کتاب های جدیدتر و پانویس که در نتیجه خیلی کتابی عظیمی شد. و چهل و چند جلد چاپ شده هنوز به حرف سین رسیده باشند. کل کتاب چاپ شود هشتاد جلد می شود. چاپ سنگی ۳ جلد است چون فونت ریز است و پانویس ندارد.

تنقیح المقال اشتباهات، نقصان، اشکال و ایراداتی داشت. علامه محمد تقی شوشتری متوفی۱۴۱۴ از نوابغ رجال کتابی می نویسند در رفع ایرادات تنفیح المقال و اشتباهات و نقصان ها بنام قاموس الرجال بسیار کتاب نابغانه ای است منابعی را نگاه می کردند که احدی نگاه نمی کرد حتی از نسخه های خطی کتاب ها استفاده می کردند در حالیکه کسی این کارها را نمی کرد. و فواید زیادی در آن است تنها ایراد قاموس الرجال این است که علامه شوشتری درباره مرحوم مامقانی صحبت میکند با لحن نامناسبی بیان می کند یعنی توهین و تحقیرها در کتاب متاسفانه می آورند که ای کاش آورده نمی شد.

به نظر ما بهترین کتاب رجالی، چاپ جدید تنقیح المقال است که انشاءالله کامل چاپ شود چون آقا محی الدین (پسر علامه مامقانی) سال ۸۸ فوت کرد بعد پسرشان آقا محمد رضا شروع کرد به ادامه ولی بیمار هستند متاسفانه و امیدواریم کامل شود و ناقص نماند. در چاپ جدید هم مطالب قاموس الرجال اضافه شده و هم یکسری مطالب دیگر

که خیلی کتاب جامعی می شود.

غیر از این دو کتاب، کتاب معجم الرجال الحدیث که استاذ الفقهاء حضرت آیت الله خوئی نوشته (متوفی ۱۴۱۳) بر عکس تنقیح المقال و قاموس الرجال و بقیه کتب رجالی تنهایی کتاب را ننوشتند بلکه گروهی از شاگردان نوشتند و حالت ناظر مانند بود. در ۲۴ جلد چاپ شد

معجم الرجال بر خلاف قاموس الرجال که کتاب های درجه چند استفاده می شد فقط و فقط از چند کتاب اصلی رجالی استفاده شده است. یعنی کتاب نجاشی دو کتاب شیخ، رجال کشی، خلاصه الاقوال علامه حلی، رجال ابن داوود

و به رجال ابن غضائری هم استناد نمی کردند چون قبول نداشتند و بسیار به ندرت استفاده میشد و طبقات برقی و مانند آن

همچین کتابی نسبت به تنقیح المقال و چاپ جدید تنقیح المقال، بسیار ناقص است و آن کسانی که دسترسی به تنقیح المقال چه چاپ سنگی و چه چاپ جدید دارند توصیه نمی کنیم این کتاب را بخوانند (معجم الرجال) آیت الله خوئی مقداری هم از نظر مبانی سختگیر و متشدد بودند بسیاری از راویان را تضعیف می کردند و بعضی راویان که ثقه بودند مثل عمر بن حنظله که ده ها دلیل بر وثاقتش است و جرحی هم نیست ولکن آیت الله خوئی تمام دهها دلیل را یک به یک رد کرده و در آخر حکم به مجهول بودن داده اند. همچین چیزهایی را می‌کنم قبول نمی کنیم.

بگذریم از این ها

دو کتاب رجالی هم بوده حضرت آیت الله شیخ علی نمازی شاهرودی نوشته اند یکی مستدرکات علم الرجال در هشت جلد و اسامی همه راویانی که در کتب امامیه مثل بحارالانوار و کتب دیگری جمع کرده اند و خیلی نظر رجالی نداده اند و خلاصه آمده. (ابان بن تغلب ثقه بالاتفاق)

توضیح زیادی درباره راوی نداده اند و بعضا آورده اند فلان راوی در آن کتاب و روایاتش در این زمینه است. فوایدی در این کتاب است. در کتابِ تنقیح المقال درباره شانزده هزار راوی تقریبا نظر آمده است. در کتاب معجم الرجال حدیث درباره چهار هزار راوی آمده ولی در مستدرکات علم الرجال درباره ۱۸ هزار راوی نظر آمده است یعنی بسیار کامل تر از بقیه است و کتاب رجالی آخری که می خواهیم بگوییم (و دو کتاب دیگری که در اسناد نیاز هستند). مسترفات معالی از مرحوم نمازی است. مرحوم نمازی که برای نوشتن مستدرکات علم الرجال همه کتب حدیثی را تورق می کردند در کتب حدیثی بسیاری از روایات مدح و ذم راوی است که در رجال کشی نیامده است مثلا حدیث معروفی که در الکافی آمده و در توثیق عمر بن حنظله استفاده می شود متاسفانه در رجال کشی نیامده و البته در مستصرفات هم نیست. ایشان آمده اند احدیثی که در مدح و ذم راویان است اضافه کرده اند به رجال کشی حدود ۸۶۵ روایت و جمعا ۲۰۰۰ روایت شده و کتاب حدیثی خوبی است برای رجال.ولکن هنوز در بحث احادیث درباره افراد، نقصان زیاد داریم. در جامع الرواه مرحوم اردبیلی از کتب رجالی، استفاده هایی از روایات برای بررسی افراد کرده اند که در هیچکدام از کتاب ها نه کشی نه کتاب مرحوم نمازی نیامده است.

یا مرحوم علامه مامقانی در تنقیح المقال روایاتی را در جرح و تعدیل راوی آورده اند که این دو نفر بزرگوار نیاورده اند

جدای از این ها ما برای اسناد کتاب معرفی می کنیم

در راوی ها می گوییم احمد بن محمد بن خالد برقی ثقه است به این دلایل در رجال ولی در اسناد نگاه می کنیم در الکافی علی بن ابراهیم عن ابیه عن... تا امام رضا

از کجا بفهمیم علی بن ابراهیم منظور کی است؟ باید اینجا علم اسناد را یاد بگیریم.

یا از کجا بفهمیم عن ابیه منظور کی است؟

علم رجال خیلی وابستگی به رجال دارد و واجب است یاد بگیرد. علم تمییز مشترکات علم توحید مختلفات و چند علم دیگر در علم اسناد پیاده می شود در تقسیم بندی علوم علم اسناد را گفتیم. یکی از بهترین کتب اسناد، کتاب ترتیب

الاسناد آیت الله بروجردی (متوفی ۱۳۸۰) اسامی راویان را از کتب حدیثی استخراج کرده اند مثل کتب اربعه و چند کتاب دیگر

آیت الله تبریزی که در یک بازه زمانی کم شاگرد آیت الله بروجردی بودند (بیشتر شاگرد مرحوم خوئی بودند) متوفی ۱۴۲۷

در طبقات الرجال کاری را انجام دادند در ۸ جلد و راویان کتب مختلف را آورده اند به ترتیب اسناد و این کارها بصورت پراکنده در تنقیح المقال وجود دارد و بصورت مرتب نیامده است. جدای از اینها نرم افزار درایه النور موسسه نور با همکاری آسید جواد شبیری پسر استاد ما ساختند بسیار خوب است در زمینه اسناد و براحتی می توان راویان سند را پیدا کرد و حتی نظرات رجالیون برجسته (نجاشی، کشی، برقی، شیخ) ولی نقصان هایی هم دارد و آن اندازه تحقیق و بررسی را که می خواستیم بصورت دقیق انجام نکرده است خیلی از راویان را مجهول گذاشته اند در حالی که آن راویان مجهول نیستند و یا درباره بسیاری از راویان فقط نظر مختصر با دیدن نظر نجاشی و شیخ آورده شده، انتظار نرم افزار بسیار کامل و جامع تری داشتیم و فعلا همین نرم افزار است در بحث رجال و نرم افزار های دیگر کاربرد آنچنانی ندارند مثل کشف الرجال، اهل البیت، جامع الاحادیث و... انشاءالله کامل شود در ورژن اول فقط کتب اربعه با وسائل الشیعه بود در ورژن دوم کتب شیخ صدوق را آوردند امیدواریم کتب دیگر را بیاورند. و انشاءالله منبع جامع‌رجالی چه بصورت کتاب یا نرم افزار ایجاد شود.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته